

# عمیق

نشریه  
شماره نهم  
نیمه دوم تیرماه  
۱۳۹۰

کیت میل: جنس در درجه اول مقوله ای سیاسی است

[Osyan.osyan@gmail.com](mailto:Osyan.osyan@gmail.com)

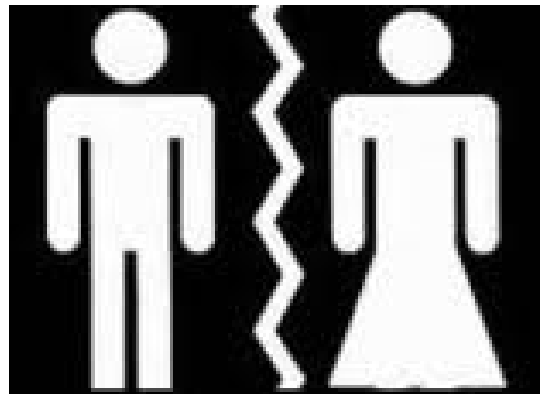
[Osyan-zan.blogspot.com](http://Osyan-zan.blogspot.com)

[facebook:osyanzan](https://www.facebook.com/osyanzan)



## طرح تفکیک جنسیتی

روشنک مینو



سالهای زیادی است که طرح هایی چون بومی گزینی دانشگاه ها، سهمیه بندی جنسیتی، تفکیک جنسیتی و اسلامی تر کردن دروس دانشگاهی اعلام می شود. اما در روزهای اخیر بحث در زمینه طرح تفکیک جنسیتی که بخشی از طرح بزرگتر عفاف و حجاب است داغ تر شده است. حسن عباسی از شمار بالای دانشجویان دختر در دانشگاه ها نگران است و برای توانمند سازی پسران (ناتوانمند سازی دختران) دست به کار شده است. در صورتی که جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه دغدغه ی حفظ مناسبات مرد سالار را دارد، از پتانسیل بزرگترین دشمن خود یعنی زنان در هراس است.

کامران دانشجو وزیر علوم وقت می گوید: "حرکت به سمت اسلامی تر شدن دانشگاه ها رکن اصلی سیاست های وزارت علوم است و ما با جو سازی هم از این حرکت عقب نشینی نمی کنیم"

در مورد اجرای طرح نیز بارها گفته شده که برنامه مدونی برای اجرای طرح وجود ندارد. یک روز صحبت از دانشگاه ها و رشته های تک جنسیتی به میان است، روز دیگر می گویند چون ممکن است امکانات اجازه ندهد کلاسهای درس را در دانشگاه تفکیک می کنیم. روز دیگر هم می گویند اگر نشد دستور می دهیم دانشجویان در ردیف های جداگانه بنشینند. البته هنوز از نصب پرده میان آنها صحبتی نشده است. با این وجود تا کنون دانشگاه های شریف، علامه و مازندران اعلام نموده اند که از سال تحصیلی جدید طرح تفکیک جنسیتی به اجرا در می آید.

به دنبال انتشار اخبار در زمینه تفکیک جنسیتی، انواع و اقسام انتقادات و نظرات از طرف مخالفان و موافقان این طرح به صفحه اخبار اضافه گردید. آخوند هایی چون مکارم شیرازی و اصول گرایان خط خامنه ای، از طرح دفاع نمودند و اصلاح طلبان به نقد از آن پرداختند. سوالی که پیش می آید این است که چرا آقازاده های سران نظام، در کشور های اروپایی و امریکایی مشغول تحصیل هستند و مشمول تفکیک جنسیتی نمی باشند؟

دفاع از طرح تا آنجا پیش رفته که مطهری عضو هیئت رئیسه مجلس، ادعا می کند که دانشگاه های دخترانه در امریکا مورد استقبال است. اما چیزی که تعجب همگان را برانگیخت موضعی بود که احمدی نژاد نسبت به این طرح نشان داد. او که خطاب به وزیر علوم، طرح تفکیک جنسیتی را اقدامی سطحی و غیر عالمانه می خواند شاید فراموش کرده که در سالهای میانی دوره اول ریاست جمهوری اش بود که اولین گام های تفکیک دانشگاه ها با جداسازی سلف سرویس ها، سالن های مطالعه در کتابخانه ها و جداسازی در سرویس های دانشجویی، برداشته شد.

احمدی نژاد و اطرافیانش که این روزها توسط رقبای خود لقب جریان انحرافی را گرفته اند، به دنبال دریافت برگ برنده در دعوی درونی حاکمیت می باشند. در این نبرد جناح ها، از یک طرف خامنه ای و اصول گرایان هوادار او قرار دارند که با طرح هایی چون عفاف و حجاب و بخشی از همین طرح که به عنوان تفکیک جنسیتی مطرح است، دو هدف عمده دارند. از یک طرف با سرکوب زنان، نیمی از جامعه را که دارای بیشترین پتانسیل در ضدیت با جمهوری اسلامی است تضعیف می نمایند و از سوی دیگر نیروهای خود را صرف تضادهای درونی هیئت حاکمه در پشت پرده می نمایند. اما طرف دیگر این نبرد، دارو دسته ها و افراد وابسته به نهاد ریاست جمهوری اند که با مخالفت نسبت به این قبیل طرح ها، سعی دارند با دریافت برگ برنده در این دعوای جناحی، توده های مردمی را به پشت جبهه خود بکشانند.

با وجود این تضاد درونی حاکمیت، مردم و علی الخصوص دانشجویان منفعی در هواداری از هیچ یک از جناح ها ندارند و این بار نیز همچون گذشته، مقاومت مردمی خواهد توانست شرایط را به نفع مردم تغییر دهد.

## معرفی کتاب: فمینیسم قدم اول

نویسندگان: آلیس واتکینز، ماریساروئدا، مارتا رودریگز

مترجم: زیبا جلالی نائینی

نشر شیرازه

قسمت اول

آزاده صمیمی

برای بسیاری کلمه فمینیسم هنوز معادل مرد ستیزی یا جنگ میان جنسیت هاست و چشم اندازی از رقابت زنان و مردان را تداعی می کند. کتاب حاضر قدم اولیست در شکستن این افسانه.

این کتاب مروری است بر تاریخچه جنبش زنان از بدو تولد آن در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه تا فراگیر شدن آن طی جنبش رهایی بخش زنان در دهه ۷۰ میلادی و سپس بازگشت محافظه کاری در این زمینه در دوران برتری نئولیبرالیسم. هدف آن، شناسایی دستاوردهای این جنبش و نیز چالش هایی است که هم اکنون نیز در قرن بیست و یکم در سراسر جهان، هم به واسطه مقاومت های بیرونی و هم به دلیل مخالف خوانی های درونی با آن روبروست. (برگرفته از متن کتاب)

کتاب، مروری کوتاه به وجود و فعالیت زنان تا قبل از پیدایش فمینیسم در سال ۱۷۸۹ نیز دارد. به گذشته فتودالیسم و عصر روشنگری، در فتودالیسم اگر چه زنان و مردان وظایف و حقوق متفاوتی داشتند اما آنها با یکدیگر کار می کردند. اما گسترش صنایع تولیدی و پیدایش شهرهای بزرگ موجب جداسازی کار از منزل و کار مردان از کار زنان شد و برای اولین بار اندیشه مرد "مان آور" و زن "خانه دار" وابسته از لحاظ اقتصادی را به وجود آورد.

در عصر روشنگری، عده ای از اندیشمندان روشنفکر اعتراض خود را نسبت به ظلم جوامع فتودال آغاز کردند. در بحبوحه این طغیان، زنان، مسئله نا برابری هایی را که با آن مواجه بودند و نیز ظلم خانگی مردان را مطرح و نسبت به آن اعتراض کردند.

**مری ولستون کرافت** از اولین زنان فعال حقوق زنان در تاریخ بود. او مصمم بود از یک زندگی سرشار و فعال برخوردار شود. در سال ۱۷۸۳ یک مدرسه دخترانه در حومه لندن تاسیس کرد. کارکنان مدرسه دوستان و خواهران مری بودند. مری ۳۰ ساله بود که انقلاب فرانسه به وقوع پیوست. شور و هیجان سیاسی در انگلستان در واکنش به این رخداد به نقطه اوج خود رسید. مری در سال ۱۷۹۲ بیانیه معروف سیصد صفحه ای خود را تحت عنوان "استیفای حقوق زنان" نوشت. در این اثر برای اولین بار عقاید روشنگری در مورد مسائل و وضعیت زنان به کار برده شد. این کتاب به محض انتشار، پر فروش ترین کتاب و نیز سنگ بنای فمینیسم مدرن گردید. او بر استبداد خانگی انگشت گذاشت. برای او محرومیت زنان از حقوق سیاسی، آموزشی و اشتغال برابر، استبداد محسوب شده و وابستگی مالی زن به مرد در چارچوب ازدواج، "خودفروشی قانون" به شمار می رفت. مری در سال ۱۷۹۷ هنگام تولد دخترش، یک مری دیگر در گذشت.

انقلاب فرانسه فرصتی را برای زنان ایجاد کرد تا بتوانند به شرایط گذشته خود نه تنها در حیطه فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز خاتمه دهند. زنان شاغل پاریس اولین گروهی بودند که رشته امور را به دست خود گرفتند. در اکتبر ۱۷۸۹ در حالی که آقایان در مجلس موسسان سرگرم بحث در مورد قانون اساسی جدید فرانسه بودند، زنان انقلابی (شلوارپوش)، زنان کارگر رختشوی خانه، خیاطها، خدمتکارها، فروشنده ها، و همسران کارگران به اعتراض علیه کمبود غذا به تظاهرات پرداختند. انقلابیون فرانسه به دو گروه ژاکوبین ها که خواستار حذف سلطنت بودند و ژیروندین ها که خواهان سلطنت مشروطه بودند تقسیم می شدند. در دوره فرادستی ژیروندین ها بود که قانون طلاق به نفع زنان تصویب شد. بسیاری از فمینیستهای اولیه با ظهور حزب ژیروندین پدید آمدند و در زمان ترور ژاکوبین ها در سال ۱۷۹۳ از پای در آمدند.

**المپ دو گورژ** یک عضو ژیروندین بود. او علیه تعصب تنگ نظرانه موجود در شهر زادگاهش و رفتاری که پدرش نسبت به مادرش داشت عصیان کرد و به پاریس گریخت و به نوشتن نمایشنامه روی آورد و در نوشته هایش الغای تجارت برده و ایجاد کارگاههای عمومی برای بیکاران و تئاتر ملی زنان را مطالبه کرد. او در سال ۱۷۹۱ "اعلامیه حقوق زنان" را در پاسخ به اعلامیه حقوق بشر مردان منتشر کرد که در آن حقوق برابر زن و مرد در حوزه قانون، دولت و آموزش مطالبه شده بود. او توسط ژاکوبین ها اعدام شد.

**تروآنی دومریکور** یکی دیگر از منتقدان بی پروای روند مردسالارانه انقلاب

## نقدی بر سریال ساختمان پزشکان

### روشنک مینو

حدود ۲ ماه می شه که از زمان پخش اولین قسمت سریال ساختمان پزشکان می گذره، آن چیزی که باعث تعجب من شد این بود که تعداد زیادی از مردم از این سریال استقبال کردند و حتی برای دیدنش سریالهای شبکه های فارسی ۱ و PMC رو بی خیال می شن. سریال ساختمان پزشکان سریالی بوده که به تازگی اجازه ی پخش از شبکه سراسری رو گرفته، اینکه چرا توقیف بوده احتمالا به خاطر بعضی از قسمت های که شرایط سیاسی و اجتماعی موجود، موضوع طنز قرار می گیره. از نمونه های این گونه خوشمزگی ها، قسمتهای مربوط به تأسیس باشگاه ورزشی و صحنه هایی که از رییس سازمان تربیت بدنی و شیوه ی عملکرد آن سازمان ارائه شد، قسمتهای مربوط به ساخت برنامه طنز و شیوه عملکرد سازمان صدا و سیما و ... است.

سریال ساختمان پزشکان، چند شخصیت اصلی داره که مسائل گوناگون زندگی این افراد، محور اصلی طنز این سریاله. نیما افشار، روانشناسیه که دو بار ازدواج کرده، همسر سابقش (کتی)، روانپزشکه و مطب هر دو در یک ساختمانه. همسر فعلیش (نازنین) یکی از بیمارای اوئه که مبتلا به وسواسه. پدر و مادر نیما هم به همراه برادرش در همسایگی نیما زندگی می کنن. شاید یکی از دلایلی که باعث شده این سریال اجازه پخش بگیره، ضد زن بودن نوع طنز این سریال باشه. منشی مطب نیما (خانم شیرزاد)، زنی خل و چل است، همسر سابق او، زنی است که تنها به فکر گرفتن یک سکه ی مهریه اش است که باید هر ماه از نیما بگیرد و همسر فعلی او وسواس دارد. اکثر صحنه های این سریال به مسخره بازی های زنان می خندند. اما نباید یک طرفه به قاضی رفت، نقش مردان این سریال هم به جوری مسخره است. نیما افشار، انسان بزدل و دارای مشکلات روحی است که علاوه بر دارا بودن نقش روانشناس تنها هدف زندگی اش داشتن بیمارانی است که بتواند با کسب درآمد پول سکه ی مهریه ی همسر سابقش را تهیه کند. پدرش، نقش یک اصفهانی را دارد که تنها مسئله برای او پول است و برادر نیما که تازه از زندان آزاد شده و دارای شخصیتی غیر اجتماعی است و ... به جورایی در سریال ساختمان پزشکان تمام افراد مسخره می شوند و اگر این افراد را نمونه ای از افراد جامعه در نظر بگیریم که همین طور هم هست چون تمامی داستانها مسائل روزمره مردم است، مردم به عنوان بینندگان به خودشان می خندند.

حالا بریم بگردیم ببینیم که چه کسانی نسبت به این سریال اعتراض کردند. منشی ها به خاطر نمایش منشی مطب نیما و روانشناسان به خاطر نوع بازی نیما، اصفهانی ها و سایر مشاغل هم شاید به این سریال معترض باشند، اما مسئله ی این سریال فقط تمسخر مشاغل نیست. این سریال تمامی مردم را به نوعی مسخره می کند. اعتراض ما نباید به خاطر صنف یا قومیت خودمان باشد بلکه باید هر گونه اقدام ضد مردمی را محکوم کنیم. خوب نمی شه انتظار داشته باشیم که جمهوری اسلامی مبارزات زنان با گشتهای ارشاد رو نشون بده یا مبارزات مردمی که برای مبارزه با ظلم و ستم به خیابانها می آیند. جمهوری اسلامی همیشه واقعیت را پنهان می کنه و این بار هم با نشان دادن یک سریال ضد مردمی، تصویر غیر واقعی و تمسخر برانگیزی از مردم علی الخصوص زنان ارائه داده.

همیشه شنیدیم که بایبید با هم بخندیم و به هم نخندیم. هدف اصلی طنز همواره این بوده که نقاط ضعف و اشکالاتی رو که در فرهنگ و مناسبات اجتماعی به شکل یک موضوع پذیرفته شده در آمده چنان زشت به تصویر بکشه که افراد از انجام دادن دوباره آن صرف نظر کنند. در بعضی موارد نیز واقعیت های سیاسی برای آگاهی عمومی به شکل طنز بیان شده اما سریال ساختمان پزشکان هیچ یک از این شکل ها نیست بلکه در وضعیتی کاملا معکوس فرهنگ ضد مردمی جمهوری اسلامی را ترویج می نماید.

### خوانندگان عصیان

لطفا مطالب، گزارشات، عکس، شعرو تجربیات خودرا در زمینه های گوناگون مسائل زنان به آدرس ای میل عصیان ارسال کنید.

osyan.osyan@gmail.com

عصیان، همانگونه که تاکنون نیز عمل کرده، تصمیم دارد در زمینه های مذهب، زنان مبارز دنیا، موسیقی، گزارشات گوناگون از اشکال مختلف ستم بر زنان در جامعه و همینطور مباحث تئوریک و بسیاری موضوعات دیگر مطلب تهیه نماید. لطفا در این موارد عصیان را که نشریه ای متعلق به تمام دختران است همراهی کنید

فرانسه بود. او توسط زنان ژاکوبین در هنگام قدم زدن در پارک مورد ضرب و شتم قرار گرفت و هرگز سلامتییش را باز نیافت. فمینیسم فرانسه با مرگ او پژمرد.

در آمریکا شیوه دیگری در راه مبارزه برای حقوق زنان پدیدار گشت. اگر در اروپا در طول انقلاب فرانسه تصور امکان بر اندازی استبداد خانگی مردان برای اولین بار در ذهن زنان اروپایی شکل گرفت، در آمریکا این جنبش علیه برده داری بود که برای زنان سیاه پوست و سفید پوست فرصت سازماندهی سیاسی علیه ستمدیدی خود را میسر ساخت.

زنان سیاه پوست زندگی خود را در راه آهن زیر زمینی که یک جاده فرار مخفی بود به خطر می انداختند. **هری یت تابمن** که خود یک برده بود از برجسته ترین هدایت کنندگان جاده فرار زیر زمینی شد توانست ۳۰۰ برده را به آزادی برساند.



در مبارزات ضدبرده داری در آمریکا نامه های زیادی از زنان در این کتاب نام برده شده که هرکدام گامهای مهمی در الغای برده داری برداشتند از جمله **الن کرافت، سوچرنر تروث، سارا مپ دوگلاس، لوکریسیا موت و الیزابت کدی ستانتون.**

**الیزابت** با ازدواج با یک مرد طرفدار الغا بردگی در مقابل محافظه کاری های خانواده اش عصیان کرد. اما نقطه عطف زندگی او ملاقات با لوکریسیا موت بود. آنها با هم تصمیم گرفتند جنبشی برای آزادی زنان ایجاد کنند. آنها اولین "قطعنامه حقوق زنان" را

تهیه کردند و در سنکا فالز آن را ارائه کردند. اینکه تاریخ بشر تاریخ تکرار بی حرمتی و تجاوز به زنان و از سوی مردان است، با هدف برقراری ظلم مطلق نسبت به زن. مرد هرگز اجازه نداده که زن حق مسلم خود را تا آزادی کامل به کار بندد. این قطعنامه تصویب شد و در آن جلسه **سوزان بی آنتونی** همراه همیشگی الیزابت شد. آرزوها و تلاشهای این دو زن الهام بخش جنبش حقوق زنان در آمریکا در قرن ۱۹ بوده است.

جنبش زنان بریتانیا در قرن ۱۹ پدید آمد. **باربارا لی اسمیت** از اولین زنان مبارز بود. او از خانواده ای رادیکال بود. دوستش **بسی رینر پارکس** نیز همینطور. خانواده لی اسمیت کانونی شده بود برای طرفداران الغا بردگی، فعالان و پناهندگان سیاسی. باربرادر میان مردم دهکده با عینک آبی رنگش و بدون پوشیدن کراست جنجالی به پا کرد. آنها روزنامه ای را راه انداختند تا مسائلی نظیر کار، آموزش، حقوق قانونی و رای زنان را به بحث بگذارند. آنها همچنین "انجمن حامی اشتغال زنان" را بنیان گذاشتند. در این مبارزات زنان زیادی پیوستند که در این کتاب از آنها نام برده شده و توضیح داده شده است.

از میان میلیون ها افرادی که برای حق رای مبارزه می کردند خانواده **پانکهرست** ها برخاست. **املین** و دخترانش **کریستابل و سیلویا**. منزل آنها محل گرد همایی انارشئیستها و طرفداران حق رای زنان بود. املین به حزب مستقل کارگری که از همه همسوتر با فمینیسم بود پیوست. بهترین سخنرانان آن بیشتر از زنان بودند. کریستابل نیز به فمینیستهای جوان سوسیالیست پیوست. آنها اتحادیه سیاسی و اجتماعی زنان را تشکیل دادند و در طول چند سال رشد فراگیری داشتند. آنها لایحه ای را برای حق رای زنان ارائه دادند. نخست وزیر وقت تضمین کرده بود که این لایحه پذیرفته شود اما بعد از تاجگذاری شاه جدید این لایحه با ترفند کنار گذاشته شد. بدین ترتیب مدافعین این لایحه به ساختمانهای ادارات دولتی حمله کردند. صدها مدافع حق رای زنان بازداشت شدند. املین در ۵۵ سالگی ده ها بار در زندان هالوی حبس شده بود. چند ماه بعد جنگ جهانی اول آغاز شد و دولت بریتانیا که ضعیف شده بود در مقابل هجوم زنان شکست خورد و بالاخره در سال ۱۹۱۸ زنان ۳۰ سال به بالا به حق رای دست یافتند. زنان نه تنها در انگلستان بلکه در بسیاری دیگر از کشورهای جهان موفق به دستیابی به حق رای شدند.

اولین کنگره بین المللی فمینیستی در سال ۱۹۱۰ در آرژانتین برگزار گردید. در سال ۱۹۱۸ در همانجا حزب فمینیست ملی پایه گذاری شد و از سال ۱۹۱۹ سازمان حقوق زنان مشتمل بر ۱۱۰۰۰ زن توانمند برای احقاق حق رای فعالیت خود را آغاز کردند.



مطلب ارسال

میترا شهبایی

## ۱-۲-۳ نتیجه؟

سیمما

تلفن زنگ زد. گوشی را برداشتم. صدای سیمما را شنیدم. بعد از احوال پرسی با صدایی لرزان از من خواست که به دیدنش بروم. یا این که کارهای زیادی داشتم بهش بگفتم میام. در را که باز کرد با گریه توی بغلم پرید. باز هم دعویاتان شده؟ پلک هایش را روی هم گذاشت. پرسیدم باز هم همان مسئله؟

سیمما ده سال بود که ازدواج کرده، دو دختر هفت و چهار ساله دارد. اما شوهرش پسر می خواست. شوهره گفته بود این تقصیر زن است که پسر نمیآورد. شوهره آنقدر گرفتار خرافه و جهل است که حاضر نیست دو تا تحقیق علمی در این مورد بخواند و شاید نظرش تغییر کند. سیمما با بغض شروع کرد حرف زدن: مدتی است حدس می زدم که او با زن دیگری ارتباط دارد. اما دیشب حدس

به یقین تبدیل شد. از شوهرم پرسیدم نکنه زیر سرت بلند شده؟ با کمال پروویی توی چشمانم زل زد و گفت: آره. مگه چیه؟ زنی را صیغه کرده ام تا برابرم پسر بیاره. قانون و سنت اسلام این اجازه را بمن داده. ناراحتی؟ اگر نمی توانی با این مسئله کنار بیای این مشکل توست. تکلیفت را روشن کن.

سیمما گفت وقتی این حرفها را شنیدم انگاری دنیا روی سرم خراب شد. چیزی یا کسی گلویم را فشار میداد. حس کردم قلیم از جا در آمد. برابرم باورکردنی نبود که او با این صراحت و وقاحت این حرفها را میزند. نمی دانم چه کنم. از زندگی با او بیزار شده ام. می خواهم خودم را از دست او خلاص کنم. اما موانعی بر سر راهم وجود دارد که گاهی مرا از تصمیم باز میدارد. مثلا حضانت بچه ها یا مشکلات مالی. چون من از خودم هیچ منبع درآمد مستقلی ندارم. چرا اینطوری است؟ شوهره راست میگه. قانون طرف اوست. حق طلاق با اوست. قانون شرع که صیغه را مجاز دانسته طرفدار او و علیه منست. چکار باید بکنم؟ به کی باید رجوع کنم؟

## ۲- زن هسائه

توی بالکن رفتم. خوب که گوش دادم متوجه شدم که صدا از خانه ی روبرو میاد. زنی با گریه و فریاد التماس میکرد زن، چرا میزنی؟

تصور کردم که مرد با قدرت دستش را بالا میبرد و بر سر و صورت زن می کوبد. زن مرتبا جیغ می کشید: چرا می زنی؟ مگه من چکار کردم؟ مرد با صدای خشمناکی می گفت: باز که دیر آمدی. چرا جواب نمیدادی؟ چرا گوشی ات خاموش بود؟ چرا بچه را با خود نبردی؟

زن میگفت: باور کن شارژم تمام شده بود. بچه هم خواب بود. راست میگم. سایه هایی از پشت پرده پنجره شان میدیدم و صدای شدید گریه بچه. کنجکاو، بقیه همسایه ها را به بالکن کشانده بود. مدت زمانی سکوت شد. نگران همان جا در بالکن نشستیم. بعد صدای کوبیدن محکم در خانه شنیده شد. زن ناله و نفرین می کرد: الهی بری و بر نگردی. کاش شوهر نمی کردم. اینم شناس منه. بعد از سایه پشت پنجره دیدم که بچه رو توی بغلش به آرامی تکان می داد.

## ۳- مهر خال، چون آزاد

سیمین می گفت بعد از سی و پنج سال زندگی یا بهتر بگویم اسارت، بالاخره آزاد شدم. در آن مدت سی و پنج سال کلفنی بیش نبودم. نمی دانستم کی شب می شود و کی روز. سرم بقدری به کار خانه و بچه ها مشغول بود که گذشت زمان را ندیدم. خودم را از یاد برده بودم. مانند برده ای که به او امر و نهی می کنند فرمان بر بودم. نه حق انتخاب داشتم و نه حق اظهار نظر. برای هر کاری حتی دیدن پدر و مادرم باید از او اجازه می گرفتم. همیشه احساس قدرت و رئیسی می کرد. حتی موقع راه رفتن با من همیشه جلوتر از من قدم بر می داشت. هر روز به پهانه ای یا من دعوا می کرد. دیگر بدنم به کتک های اوعادت کرده بود. او همه چیز مرا از من گرفته بود. بدن سالم، آزادی و استقلال و.....

دیگر طاقبت بی عدالتی و بی انصافی های او را نداشتم. یکپهو بخود آمدم. به بچه ها نگاه کردم. هر کدام برای خود مستقل شده بودند. دیگر پهانه ای برای ادامه زندگی با او را نداشتم. نمی دانم چرا تا به حال خود را از دست او خلاص نکرده بودم و نمی دانم چگونه این همه مدت با او ساختم.

تصمیم گرفتم: می خواهم باقیمانده عمر خود را با تمام مشکلات سر راهم آزادانه بدون رئیس و مالک زندگی کنم.

نتیجه



نابرابری بین زن و مرد، فرهنگ مردسالاری، خشونت علیه زنان و حمایت دین و مذهب از این رفتارهای ضد انسانی از قدیم در دیگر کشورها و کشور ما بوده است. این که مردها خود را مالک زنهای می دانند و به خود اجازه امر و نهی و کتک و فحش را می دهند، برای آنها امری عادی می باشد. آن ها با این فرهنگ مردسالارانه بزرگ شده اند، این قوانین در تار و پود فکرشان بافته شده است و شرع از آنها دفاع میکند. آنها فکر میکنند که مالک دختران و زنان خود می باشند و خود را جنس قوی و درجه یک می دانند. اما ما زنان باید آگاه شویم و تا آن جا که ممکن است به دختران و پسران خود آگاهی دهیم که با این تفکر و فرهنگ نابرابر مبارزه کنند. به فرزندان خود بیاموزیم که ما همه انسان هستیم و برابر. اجازه ندهیم که مردها دانسته و ندانسته با استفاده از این قوانین نابرابر ما را نابود کنند و استقلال و آزادی ما را از بین ببرند. این حق ماست که آزادانه زندگی کنیم. به امید روزی که زنان کنار مردان بدون هیچ تبعیضی، آزادانه و با حقوق برابر زندگی کنند.

**پوزش: گزارش مربوط به اتفاق دانشگاه فردوسی مشهد در شماره قبل اشتباه حذف شده بود که از همه خوانندگان محترم عصیان عذر خواهی می کنیم.**

## تجاوز در دانشگاه فردوسی مشهد و اعتراضات دانشجویی

دانشجوی دختری که شامگاه ۱۵ خردادماه جاری وقتی پیاده از دانشگاه فردوسی مشهد به سمت خوابگاهش در حرکت بود مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفت، ورودی سال ۸۶ رشته الهیات این دانشگاه است.

پس از انتشار خبر تجاوز به یکی از دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد، این دانشگاه دو روز صحنه اعتراضات دانشجویان بود.

بر اساس گزارشات منتشر شده پس از آن که روز دوشنبه خبری مبنی بر تجاوز و ضرب و شتم یکی از دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد در میان دانشجویان پخش شد، این دانشگاه شاهد برگزاری نخستین تحصن و اعتراض دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد بود.

در نتیجه عدم پاسخ گویی و عدم حضور مسئولان و همچنین اوج گیری خشم دانشجویان حدود ساعت ۱۱:۳۰ شب همان روز این دانشجویان اقدام به شکستن درب خوابگاه های پردیس و خروج از خوابگاه برای رساندن صدای اعتراض خود نمودند.

به گزارش یک منبع خبری که نخواست نامش فاش شود به محض اطلاع دانشجویان پسر از موضوع، حرکت از خوابگاه های فجر آغاز شد و دانشجویان پسر ساکن خوابگاه فجر نیز به تجمع دختران پیوستند.

گزارش ها از دانشگاه فردوسی مشهد حکایت از آن داشتند که دانشجویان از این موضوع بسیار متأثر شده و با سر دادن شعارهایی به پشتیبانی از دانشجوی قربانی پرداخته و خواستار پاسخگویی سریع مسئولان شدند.

به هیچ یک از نمایندگان دانشجویان که از سوی مسئولان دانشگاه برای ملاقات با دانشجوی مضراب به «بیمارستان امدادی کامیاب» فرستاده شدند اجازه ملاقات داده نشد

بنا بر این گزارش ها، شعارهایی نظیر «عاشوری (رئیس دانشگاه) حیا کن؛ دانشگاه را رها کن»، «عاشوری استعفا استعفا»، «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، دانشجوی باغیرت صاحب عزاست امروز»، «حراست بی غیرت خجالت خجالت؛ تجاوز، جنایت، مرگ بر این حراست»، «خواهر معصوم من ما همه با تو هستیم»، «دانشجوی می برد ذلت نمی پذیرد»، «حراست کجا بود خواهرم تنها بود»، «گر دختر خودت بود باز حرفات همین بود» و... از سوی دانشجویان سر داده شد.

در ادامه این گزارش ها آمده است، بیشتر معترضان حراست دانشگاه را مسئول این واقعه دانسته و گفته اند با توجه به سخت گیری های بیش از حد حراست دانشگاه بر علیه دانشجویان و نصب دوربین های مخفی در جای جای محیط دانشگاه فردوسی مشهد، بطور می شود تمهیداتی برای این «فاجعه وحشتناک» اندیشیده نشده و چگونه چنین حادثه ای در دانشگاه رخ داده است.

لازم به ذکر است که حراست دانشگاه فردوسی از جمله حراست های دانشگاه های ایران است که اعمال محدودیت بر نحوه پوشش و ارتباط بین دختران و پسران را با جدیت بی گیری می کند و مسئولان آن از دوربین های مجهزی برای کنترل روابط و همچنین تجمعات دانشجویان استفاده می کنند.